

رمز گشایی از جعبه سیاه «قتل‌های عنکبوتی»

ماجرای فرار مژگان، خانه امن پلیس ونحوه دستگیری قاتل عنکبوتی را در این گزارش بخوانید



با سید خلیل سجاد پور خبرنگار پیش کسوت روز نامه خراسان انجام دادیم که حدود ۳ دهه در صفحه حوادث قلمزده است و در آن روز های برای اولین بار قتل های سعید حنائی را فاش کرد و لقب «قاتل عنکبوتی» را به وی داد. آن چه می خوانید بخش دوم این گفت و گوی جذاب و خواندنی با زوایای جدید از پرونده قتل های عنکبوتی است که ادامه آن نیز در شماره بعد درج خواهد شد.

ساعت به نقاط مختلف بر دندولی نتوانست حتی محیط را شناسایی کند. این بود که گروه عملیاتی بلافاصله به سراغ نگهبان فضای سبز رفتند که به مژگان گفته بودند آن مرد موتور سوار ا می شناسد. حالا دیگر عامل قتل های عنکبوتی در یک قدمی کار آگاهان ورزیده پلیس خراسان بود ولی آن نگهبان هم در آن حاضور نداشت. زمان به تندی سپری می شد و یک جسد دیگر هم روی دست کارآگاهان مانده بود تا این که تحقیقات نامحسوس میدانی نشان داد که یکی از بستگان نزدیک مرد نگهبان در تاسیسات کوهسنگی مشغول کار است. آن ها بلافاصله عازم کوهسنگی مشهد شدند و بارانهمایی آقای مهندس، به مرد نگهبان دست یافتند. او مدعی شد مرد موتور سوار سعید نام دارد و به شغل بنایی مشغول است ولی فقط کوچه ای راه روی امیر المومنین (ع) می شناسد که سعید در آن جازندگی می کند ولی نمی داند در کدام منزل اقامت دارد.

خیلی زود که های رمز آلود در تلفن ها و بی سیم های پلیس سر و صدا به راه انداخت، مژه هایی که فقط گروه ۱۶ نفره و برخی از فرماندهان ارشد از آن اطلاع داشتند. دقیقی بعد منزل شناسایی شد اما نتیجه مشورت های کارشناسی کار آگاهی به این بود که باید او را به شیوه وایش دستگیر کنند تا دیگر عاملان یا افراد پشت پرده این ماجرا در جریان دستگیری سعید حنائی قرار نگیرند چرا که پلیس هنوز هم بر این عقیده اصرار داشت که قتل ها کار یک نفر نیست!

حدود ساعت ۱۳ سوم مرد یاد بود که گروه ۱۶ نفره پس از صرف یک ناهار مختصر سوار مینی بوس شدند و به سمت بولوار ذوالفقار حرکت کردند. وقتی سعید حنائی با موتور سیکلت وارد کوچه شد به طرز ماهرانه با یک شیوه پیچیده اطلاعاتی، او را سوار خودرو کردند و در حالی که هنوز در شوک فرو رفته بود به «خانه امن» در اطراف

میدان استقلال هدایت کردند. هنوز هیچ کس از ماجرای دستگیری عامل قتل های عنکبوتی خبر نداشت که در بازرسی از جیب های او، تعدادی شماره های پلاک انتظامی خودروها بیرون آمد.

در میان این شماره ها حتی پلاک خودرو های نظامی هم وجود داشت که تخلف کرده بودند. با آن که پلیس فرد عجیبی را در خانه امن نگهداری می کرد اما او خیلی خونسرد پشت میز کوچکی نشست که مقابلش سر هنگ مروی قرار داشت. یکی از افسران آگاهی، بلافاصله در تن ماهی را باز کرد و درون بشقاب چینی گلدار ریخت. سعید حنائی هم بلافاصله سوار خودرو شد و به تکه نان بربری را از کنار میز بر می داشت، با نگاهی بی معنی گفت: ناهارم اینجا خورد بعد توضیح می دهم. زمانی که ماجرای اولین قتل را باز گو کرد، بی درنگ سروان رزمخواه بر که کاغذی را مقابلش گذاشت و خود کاری هم به دستش داد. سروان غلامی هم بلافاصله سوار خودرو شد و به سراغ سردار مومنی رفت که هر دو با چهره ای اگر چه خسته اما شادمان به «خانه امن» باز گشتند و این گونه سعید حنائی را از ۱۶ جایت از قتل های عنکبوتی را در حالی فاش کرد که من تا آن روز ماجرای ۲۱ قتل مشابه را در روز نامه خراسان نوشته بودم اما علان سه قتل دستگیر شدند و حنائی هم صحنه قتل و رها کرد. ۱۶ جسد را در حضور مقام قضایی و کار آگاهان باز سازی کرد ولی سرنوشت قتل های مشابهی که قاضی منصوری به سال ۷۸ اشاره کرده بود، همچنان در پرده ابهام ماند.

(ادامه این گفت و گور ادر شماره آینده بخوانید.)

در این باره و به ویژه تولید فیلم موهن عنکبوت مقدس روز نامه خراسان به رمز گشایی از جعبه سیاه این پرونده جنایی پس از ۲۲ سال پرداخت، چرا که عده ای در تلاش هستند با تحریف و سوء استفاده از قتل های عنکبوتی سال ۷۹ در مشهد به اهداف و اغراض سیاسی خود دست بیاوند و این ماجرای تلخ را دستمایه ای برای مطامع خاص قرار دهند. به همین منظور گفت و گویی

مومنی به سمت فرمانده انتظامی خراسان منصوب شد، دستور ویژه ای صادر کرد. همه امکانات و نیرو های پلیس به کار گرفته شدند به گونه ای که ۵۰۰ تیم عملیاتی از بسیج، سپاه و نیرو های آموزش دیده نهاد های دیگر به همراه افسران و درجه داران بخش های مختلف نیرو های انتظامی مانند مواد مخدر، اطلاعات، مبارزه با مفاسد و... تشکیل شد و آن ها هر روز از ساعت ۱۶ تا اوایل صبح در قالب گروه های دوفره وارد صد متری می شدند و هر جنبه ای را زیر نظر می گرفتند. در همین حال و حدود سه ماه قبل از دستگیری قاتل، نیروی انتظامی کشور، بودجه ای را برای کشف این پرونده اختصاص داد و بدین ترتیب افسران ورزیده آگاهی استان خراسان و مشهد در حالی یک تیم محرمانه عملیاتی تشکیل دادند که تعدادی از افسران کار آرموده آگاهی تهران، کرمان... و نیز به این گروه منتخب پیوستند چرا که هر کدام از این کار آگاهان پرونده های مهم و حساس را در کشور کشف کرده بودند.

با همان بودجه و پس از چند روز جست و جو، خانه ای ویلایی در ای زیرزمین در اطراف میدان استقلال مشهد اجاره شد که هیچ کس جز فرماندهان رده بالا و ۱۶ افسر زده عملیاتی از آن خبر نداشت. از نیرو های آگاهی سروان حمید رزمخواه (در سال های اخیر و در سمت رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی باز نشسته شد)، سروان محمدرضا غلامی (اوتیز در سال های اخیر در سمت رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به درجه باز نشسته ناال آمد) هم در حوم سر هنگ مروی و... از جمله این گروه ۱۶ نفر در خانه امن بودند که به طور شبانه روزی در آن مکان فعالیت می کردند و حقر رفتن به منازلشان را هم نداشتند. حالا دیگر اوضاع تغییر کرده بود با وجود همه فشار های گوناگون و مصاحبه های تند جناح های سیاسی، گروه خانه امن به تجزیه و تحلیل های اطلاعاتی پرداختند و فرضیه های متفاوتی را بررسی کردند. با توجه به قتل های زنجیره ای، فرضیه نیرو های نظامی یا جنایت بانفکرات خاص مذهبی یا یک جناح سیاسی در لویت کاری آنان قرار داشت ولی قتل ها دیگر شکل هتنگی به خود گرفته بود و هیچ سرنخی به دست نمی آمد. افراد زیادی به اتهام روابط نامشروع از قشر های مختلف اجتماعی نیز در این ماجرا دستگیر شدند چرا که قرار بود ۵۰۰ گروه عملیاتی مستقر در صد متری فجر، همه افراد مظنون را دستگیر کنند و به نیرو های پلیس آگاهی مشهد تحویل بدهند. آن هانیز در صورتی که اندک ظنی به افراد دستگیر شده داشتند، بلافاصله آن ها را مخفیانه به «خانه امن» می فرستادند تا مورد بازجویی های تخصصی قرار بگیرند. امکانات پلیسی هم همان لوازم سنتی کشف جرم بودند آن باید به صورت میدانی فعالیت می کردند اما این گروه هم قسم شده بودند تا دستگیری اعلان این جنایت های مخوف از «خانه امن» نروند!

هر فرضیه ای که توسط یکی از اعضای گروه مطرح می شد، بلافاصله زیر دیربین کارشناسی قرار می گرفت و همه ابعاد ریز و درشت آن تجزیه و تحلیل می شد. اما باز هم ها شدن جسدی دیگر همه نقشه ها و فرضیه ها را به هم می ریخت. کار به جایی رسید که نیرو های ۱۶ نفره به یکی از عوامل انتظامی مشکوک شدند چرا که او خیلی سریع در صحنه های کشف اجساد حضور می یافت و گاهی نیز اولین بار خودش ماجرا را به همکارانش گزارش می داد. این افسر ارشد نیز زب چتر اطلاعاتی قرار گرفت و به شدت کنترل می شد اما بعد از دستگیری قاتل تازه مشخص شد که او بر اساس تیزهوشی کار آگاهی در صحنه ها حضور داشت.

غلامی رزمخواه که از افسران زبده آگاهی بودند، شبانه در کنار یکدیگر و با چشم هایی که از بی خوابی به

مصطفی میر جانیان - روز گذشته قسمت اول ماجرای قتل های عنکبوتی مشهد با عنوان زوایای پنهان «از قتل های عنکبوتی» در صفحه حوادث روز نامه خراسان درج شد. قتل های سریالی زنان خیابانی که از سال ۷۹ تا ۸۰ در مشهد رخ داد از جمله حوادث تلخی بود که ابعاد گوناگونی پیدا کرد و باز تاب های متفاوتی در جامعه داشت اما اکنون با ساخت و تولید فیلم هایی

که آیا قاتل به مقتولان تجاوز جنسی کرده است یا نه؟ پاسخ دادند که «طبق نظریه پزشکی قانونی او به هیچ کدام از قربانیان خود تجاوز نکرده است». البته از نظر عقلی هم علاوه بر دلایل نقلی و تجربه پرونده های متعدد، این احتمال ضعیف است چرا که وقتی قاتلی طعمه خود را به مخفیگاهی می کشاند که هیچ کس متوجه حضور او نشود یا طوری برنامه ریزی می کند که طعمه از جنگ او نگریزد و مانند این که خود استرس زیادی را حداقل در قتل های اول به قاتل وارد می کند، چگونه می تواند در آن لحظات به تجاوز جنسی هم فکر کند؟

با همه این موارد اما از ۳۶ اتهامی که در پرونده حنائی وجود داشت، ۱۳ اتهام درباره «زنا» بود که از سوی نماینده مدعی العموم مطرح شد و دادگاه هم در جلسات غیر علنی همه آن ها را به طور دقیق بررسی کرد ولی آن چه از نظر شخصی بر آن تاکید دارم و با برخی از افراد منابع آگاه هم صحبت کردم، حنائی تجاوز جنسی انجام نداده بود. او خودش هم تا پایان جلسات دادگاه و در تمام مراحل دادرسی این اتهام را کامل رد کرد و تعرض و رابطه نامشروع را پذیرفت.

بدیهی است به لحاظ حقوقی مفهوم تجاوز و رابطه نامشروع متفاوت است. به عبارتی هر نوع خلوت کردن با نامحرم و تماس های غیر اخلاقی رابطه نامشروع شمرده می شود در حالی که تجاوز به معنای زناست.

در همان زمان مسگرانی نماینده مدعی العموم در باره محتویات حکم سعید حنائی گفت: شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور محکومیت سعید حنائی را به ارتکاب ۱۶ فقره قتل عمد تایید کرد که با توجه به تقاضای ۱۲ طرف از اولیای دم، ۱۲ بار «قصاص نفس» وی را نیز مورد تایید قرار داد. وی افزود: با توجه به این که چهار طرف از اولیای دم خواستار دریافت دیه بودند، دیوان عالی کشور قاتل را به پرداخت دیه در قبال قتل چهار زن دیگر محکوم کرد.

مسگرانی درباره اتهامات دیگری گفت: حنائی از جهت «رابطه نامشروع» به ۱۰ سال حبس تعزیری و ۹۹ ضرب و شلاق، از جهت «سرقت» به دوسال حبس تعزیری و ۷۴ ضرب و شلاق، از جهت «جعل سند» به دوسال حبس تعزیری و از جهت استفاده از «سند مجعول» هم به ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده بود.

ماجرای خانه امن پلیس چه بود؟

این ماجرا خود مثنوی هفتاد من کاغذ است و یک کتاب قطور می شود که اگر توفیقی باشد، شاید کتابی در این باره بنویسم اما حکایت به اسفند سال ۷۹ بازی می گردد که تعداد زیادی از کار آگاهان و افسران ورزیده آگاهی با تشکیل گروهی ویژه تحقیقات خود را برای دستگیری عاملان این قتل ها آغاز کردند چرا که تصور می کردند باندی مخوف در پشت پرده این قتل ها قرار دارد و هیچ کس فرضیه فردی معمولی را مطرح نمی کرد. درج این اخبار و تجزیه و تحلیل های جرایم فشار مضاعفی را به پلیس وارد کرده بود. از طرف دیگر جورعب و وحشت در جامعه و پیگیری های مسئولان رده بالا، نیرو های انتظامی را در تنگنای سختی قرار داده بود. هر نوع سوز و فزیه ای بلافاصله مورد توجه قرار می گرفت اما هیچ نتیجه ای نداشت.

بررسی های کارشناسی پلیس با توجه به موقعیت جغرافیایی جرم نشان می داد که قاتل در منطقه حاشیه شهر و در بخش شمال شرقی اقدام به جنایت می کند و اجساد را شبانه به مناطق مختلف انتقال می دهد. به همین دلیل مقرر شد تا چندین گروه عملیاتی در مسیر صد متری فجر مستقر شوند و همه زنان خیابانی را تحت نظر بگیرند که سوار خودرو های سبک و سنگین می شوند و بدین ترتیب قاتل را شناسایی کنند اما باز هم تلاش ها بی نتیجه ماند.

زمانی که سردار اسکندر



سید خلیل سجاد پور - خبرنگار پیشکسوت خراسان عکس: بهمن دهقان

آقای سجاد پور هنوز هم برخی تلاش می کنند تا انگیزه عامل قتل های عنکبوتی را مذهبی جلوه دهند، آیا شما تایید می کنید که او به عنوان یک فرد مذهبی دست به جنین جنایتی زده است؟

به هیچ وجه! همان طور که با اسناد محکم و انکارناپذیر گفتم، هدف حنائی انتقام بود به این دلیل هم ابتدا تصمیم داشت تا رانندگان مسافرکش را به قتل برساند.

ماجرای مذهبی بودن قتل ها حدود ۱۵ روز بعد از دستگیری حنائی در مرداد سال ۸۰ آغاز شد. تا آن زمان اعتراضات او فقط حول محور انتقام به خاطر مزاحمت به همسرش و تایید توسط بخشی از مردم می چرخید اما وقتی تعدادی از شهروندان که معتقد بودند او فقط زان دارای سوابق نامشروع را به قتل رسانده یا بعضی از گروه های تندروی اجتماعی که با شعار و تجمع از وی حمایت کردند، ورق برگشت و او نیز بر این موج سوار شد تا شاید این گونه راه نجاتی برای فرار از مجازات بیابد. عامل این جنایت ها زمانی که صحنه های قتل را در منزلش بازسازی می کرد نیز متوجه شد که برخی از شهروندان به این اقدامات جنایتکارانه او رنگ و بوی مذهبی داده اند، دیگر کاملاً به این سو چرخید و در رفتار و گفتارش خیلی تلاش کرد که ماجرای تعرض به همسرش را به حاشیه بکشاند و بدین ترتیب موضوع بارش باران بعد از قتل دوازدهم یا پاکسازی جامعه از لوث زنان فاسد را مطرح کرد. حتی وقتی که زمزمه هایی از پرداخت دیه مقتولان توسط همان عده اندک را شنید بر اظهارات مصمم تر شد تا جایی که در جلسات دادگاه هم دیگر از انتقام جویی سخن نمی گفت و بر حذف زنان خیابانی از جامعه تاکید می کرد در حالی که تا آن زمان فقط بر انگیزه انتقام تاکید داشت اما زمانی که او به موضوع رابطه نامشروع و سرقت از زنان خیابانی اعتراف کرد، دیگر همین شهروندان اندک هم دست از حمایت او کشیدند باوجود این حنائی تا لحظه اعدام هیچ تذکره یاور نمی کرد که قصاص خواهد شد. تصورش بر این بود که با این حمایت های بیرونی از مرگ نجات می یابد و به این دلیل هم در مراحل دادرسی و بازجویی خیلی خونسرد بود و هیچ گاه آثار ندامت در چهره اش نمایان نشد.

خاستگاه این حمایت ها در جامعه آن روز را چه می دانید؟

جدای از این که به طور طبیعی مردم از فضای فحشا به خصوص در یک شهر مذهبی ناراحت و خواستار اصلاح این شرایط بودند اما باید به این نکته توجه داشته باشید که در آن زمان با توجه به شیوع هروئین در جامعه و وجود زنان و مردان معتادی که به خاطر اعتیاد به این مخدر شایع سوز عمدتاً به سرقت و تن فروشی مبادرت می کردند جوانانمایی در جامعه پدید آمده بود که به نوعی همراهی با حذف این افراد از سوی برخی از مردم شاید تا حدی طبیعی به نظر برسد.

آقای «سجاد پور» موضوعی که هنوز هم با تولید فیلم عنکبوت مقدس و عنکبوت مورد توجه جدی قرار می گیرد و در عین حال مناقشه برانگیز است، بحث تجاوز «حنایی» به زنان خیابانی است. نظر شما در این باره چیست؟

طبق اسناد موجود و مصاحبه هایی که من با فرماندهان و مقامات مسئول بعد از دستگیری عامل قتل های عنکبوتی انجام دادم که در روزنامه خراسان نیز به عنوان سندی محکم در تاریخ ۷۰ و مرداد سال ۸۰ به چاپ رسیده این است که حنائی به مقتولان تجاوز جنسی نکرده است. برخی از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی حدود دویا سه روز بعد از دستگیری حنائی و در گفت و گویی که با آن ها داشتم به صراحت به این سوال